



دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

تأثیر سازماندهی عناصر نیمه ثابت در معنی دار کردن محیط های پیاده شهری از طریق تحلیل رفتار استفاده کنندگان از فضا (نمونه موردی: پیاده راه چهارباغ عباسی اصفهان)^۱*

الهه صیدآبادی

** کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

پیاده راه ها به عنوان بخشی از فضاهای عمومی، نقش مهمی در رفع نیازهای انسان ایفا می کنند. بسیاری از نظریه پردازان پیاده راه را به عنوان یکی از اجزای اصلی یک سیستم شهری می دانند، زیرا در کنار نقش کارکردی باعث افزایش اجتماع پذیری در فضاهای شهری می شوند. بنابراین به منظور پویایی و برای رفع نیازهای مردم، باید به رفتارهای شکل دهنده فضاها توجه کرد و آن ها را مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر، یک تحقیق می دانی با رویکرد توصیفی _تحلیلی است. برای تدوین چارچوب نظری، از روش اسنادی و برای تحلیل شاخص ها از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد نیازهای انسانی نتیجه تأثیر رفتار بر فضا و محیط است و قابلیت محیط، زمینه ساز انجام رفتارهاست و از سویی دیگر، ارتقای کیفی مکان و معنی دار کردن محیط و تأثیر مؤلفه های آن بر قلمروها و الگوهای رفتاری صرفاً مفهومی کمی و تکنیکی نبوده، بلکه با مفاهیم کیفی نیز در ارتباط است.

واژه های کلیدی

محیط، معنا و مکان، قرارگاه رفتاری، تحلیل رفتار استفاده کنندگان

* این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد نویسنده اول تحت عنوان « تأثیر سازماندهی عناصر نیمه ثابت در معنی دار کردن محیط های پیاده شهری از طریق تحلیل رفتار استفاده کنندگان از فضا » است که به راهنمایی دکتر قاسم مطلبی در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام گرفته است.



دوازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در ارتباط با فضاهای عمومی، مفهوم انسان شناختی و رفتارشناسی در فضاهای شهری و به دنبال آن معنی دار کردن محیط است. امروزه انزوا طلبی و کاهش تعاملات اجتماعی یکی از مهمترین مشکلاتی است که زندگی اجتماعی ساکنان شهرها را تهدید می‌کند، از این رو، نیاز مردم به مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی و رفع نیازهای روانی به یکی از ملزومات زندگی شهری تبدیل شده است. با توجه به اینکه فضاهای عمومی در شهرها، کانون بیشترین ناهنجاری‌های رفتاری هستند و کمتر توانسته‌اند زمینه‌های مناسب را برای سازماندهی نیازها و الگوهای هنجاری و رفتاری مخاطبان خود فراهم آورند و به تبع آن به سازماندهی محیط و معنی دار کردن آن بپردازند، طراحی یک راهبرد کارآمد مدیریت رفتار، از جمله مهمترین نیازهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای اینگونه فضاهاست. پیاده راه‌های شهری بخشی از فضاهای عمومی و به طور خاص بخشی از فضاهای سبز عمومی‌اند و فضاهایی هستند که بازدهی اجتماعی دارند و عموم مردم از آن‌ها در گذران اوقات فراغت، تفریح و مصاحبت با دوستان و گردهمایی‌های اجتماعی و نظایر این‌ها استفاده می‌کنند، هم چنین می‌توان گفت که پیاده راه‌ها در ارتباط مستقیم با الگوی استفاده و نوع رفتار کاربران در فضا بوده و می‌توانند مکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و عرصه‌ای برای سازماندهی الگوهای رفتاری و به دنبال آن معنی دار کردن محیط باشند. با توجه به عقیده نظریه پردازان درباره فضاهای عمومی به عنوان فضاهایی برای تعاملات انسانی، در می‌یابیم که شهر به عنوان ظرفی برای انسان و فعالیت‌های محسوب می‌شود. حال با توجه به اینکه شهر اصفهان به دلیل سابقه تاریخی و فرهنگی خود در زمره شهرهای با توان بالقوه در زمینه فضاهای عمومی است. خیابان چهارباغ اصفهان نیز به عنوان یکی از باسابقه‌ترین و پیشینه در خیابان‌های مثال زدنی در جهان به دلیل سابقه بی‌نظیر خود، کانون حضور بسیاری از شهروندان و مسافران با فرهنگ‌ها و خصوصیات رفتاری مختلف است و از این بابت رفتارهای گوناگونی در آن مشاهده می‌شود با توجه به اهمیت بُعد رفتاری فضا، این پژوهش سعی دارد تا بر اساس شناخت الگوهای رفتاری کاربران، نسبت به برنامه‌ریزی به منظور ارتقای کیفیت محیطی و معنا بخشی به آن بخصوص در محیط‌های پیاده شهری و تقویت فضاهای تعاملی از طریق مطالعات رفتاری در محیط به معیارهای اساسی دست یابد و بر این اساس پیشنهاد و نتیجه‌گیری نماید.

۱. پیشینه پژوهش

تا پیش از جنگ جهانی دوم، تحقیقات علوم رفتاری تأثیر چندانی بر طراحی شهری، معماری و نظریه‌های مرتبط با آن نداشته است. در حوزه تجربیات جهانی، از صاحب‌نظران مطرحی که به بررسی تأثیرات روانی _ ذهنی فضاهای شهری بر رفتار مردم

توجه نشان داده‌اند و همچنین در رابطه با تأثیرات محیطی _ رفتاری به ارائه نظریاتی پرداخته‌اند، می‌توان به کوین لینچ^۲، اروین گافمن^۳، راجر بارکر^۴، اروین آلتمن^۵، آموس راپاپورت^۶، ویلیام وایت^۷، هابرماس^۸، رومدی پاسینی^۹، التمنت^{۱۰}، هولویل و مور^{۱۱}، یان گهل و جان لنگ^{۱۲} اشاره کرد. از میان صاحب‌نظران ایرانی، شاخص‌ترین فردی که تمرکز خود را بر روی تأثیرات محیطی _ رفتاری قرار داده، حسین بحرینی است. او در کتاب تحلیل فضاهای شهری به ارزیابی کمی و کیفی الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از خیابان که از نظر وی عنصر اصلی فرم شهر است، می‌پردازد. به‌نازاسمین‌زاده نیز در پژوهشی با عنوان "طراحی و الگوهای رفتاری پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های شهری" سازگاری و انعطاف‌پذیری مکان رفتاری را از طریق سلسله مراتب نیازهای انسان مورد مطالعه قرار داده است. در پژوهشی دیگر حسن علی لقای و همکارانش، پارک شهر در محله سنگلج تهران را به عنوان نمونه مورد مطالعه از دیدگاه بهبود کیفیت اکولوژیکی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی _ تحلیلی در دو حوزه جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات انجام شده است، شناخت کلیه لایه‌های فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و برای بهبود کارکرد اکولوژیکی و اجتماعی پارک، مطالعه در حوزه الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از پارک شهر نیز انجام گرفته و بنا بر تحلیل‌های صورت گرفته از طریق جدول SWOT و به منظور رفع نارسایی‌های موجود، اقدام به طرح پیشنهادهایی برای مناسب‌سازی فضای پارک به منظور استفاده تمام گروه‌ها شده است.

- مروری بر پیشینه دانش روانشناسی محیطی و روند توسعه

موضوع روانشناسی محیط از اواخر دهه ۶۰ قرن بیستم مطرح گردید. پروشانسکی^{۱۳}، ایتلسن^{۱۴} و ریولین^{۱۵} در سال ۱۹۷۰ میلادی ظهور علم روانشناسی محیط را در کتابی با عنوان روان‌شناسی محیط: انسان و محیط اجتماعی - کالبدی اعلام کردند (عینی فر، ۱۳۸۸) و البته پیش از این در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پژوهش‌هایی به جهت بررسی تأثیر متقابل انسان و محیط تحت عنوان علوم اکولوژی یا روانشناسی اکولوژیک منتشر می‌شدند (مرتضوی، ۱۳۸۰). توجه به مطالعه رفتار انسان و مکان و محیطی که رفتار در آن شکل می‌گیرد، ابتدا با واژه روانشناسی بوم‌شناختی اریه شد. بر خلاف روان‌شناسان سنتی که پژوهش‌های انجام شده آنان توجهی به ارتباط بین رفتار انسان و محیط کالبدی او نداشت، در روان‌شناسی بوم‌شناختی مفهوم

² Kevin Lynch

³ Erwin Goffman

⁴ Roger Barker

⁵ Erwin Altman

⁶ Amos Rapaport

⁷ William White

⁸ Habermas

⁹ Romdy Passini

¹⁰ Altman

¹¹ Holloway & Moore

¹² Ian Gahel and John Lang

¹³ Proshansky

¹⁴ Etlesen

¹⁵ Rivlin

ارتباط انسان با محیط یا بوم خویش مورد توجه قرار گرفت. همچنین جنبش‌های دوره معماری مدرن در شکل‌گیری علم روانشناسی محیط نقش اساسی داشته است. نقدهای انجام شده در باب فضاهای کسالت‌آور و جرم خیز در مجتمع‌های مسکونی و شهرهای مدرن از جمله شهرک پروئیت ایگو در امریکا که نهایتاً منهدم گردیدند، را می‌توان سرآغازی بر لزوم توجه به نیازهای انسانی از محیط مطلوب دانست.

همچنین تعاریف متعدد و متنوعی از محیط ارائه شده است. بسته به موضوع بحث دامنه این تعاریف متغیر خواهد بود. تمایز بین محیط کالبدی، اجتماعی، روانشناختی و رفتاری از جمله این دسته‌بندی‌ها محسوب می‌گردد. نکته اصلی این طبقه‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های مشابه، تفاوت بین جهان واقعی، حقیقی و عینی اطراف انسان و جهان پدیدار شناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه الگوهای رفتار و واکنش‌های روحی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند (لنگ، ۱۳۹۸). محیط از یک سو عبارت از فضای دربرگیرنده انسان و سایر موجودات است و از جانب دیگر می‌توان آنرا فضای محدود محسوس برای انسان دانست. به این ترتیب محیط مورد نظر افراد مختلف متفاوت خواهد بود. محیط را نیز می‌توان منحصر به مجموعه عناصر طبیعی یا مصنوع تلقی نمود و یا هر دو را در شکل‌گیری محیط دخیل دانست. عنصر مهمی که در تعریف محیط نباید از آن غافل ماند اصول و قوانینی است که اولاً بر شکل‌گیری محیط تسلط داشته و ثانیاً بر تداوم و تعریف آن و همچنین استنباط انسان از آن و تاثیری که بر حیات انسان دارد نقشی در خور توجه ایفا می‌نماید. به این ترتیب محیط متشکل از اجزا و عناصر مادی (کالبدی و کمی) و معنوی (غیر فیزیکی و کیفی) می‌باشد که در قالب عناصر طبیعی، ساخته‌های انسان، شرایط طبیعی، بارزهای عناصر مصنوع و انسان ظاهر می‌شود (حاتمی، ۱۳۹۴). محیط دارای ویژگی‌های جغرافیایی، ساخته شده و فرهنگی است که با هم رابطه‌ای درونی دارند. و بعضی رفتارها را از راه‌های همسان تامین می‌کنند. مجموع‌های از قابلیت‌های محیط در یک موقعیت ویژه، محیط بالقوهای را برای رفتار انسان در آن مکان ایجاد می‌کند. تمام این قابلیت‌ها توسط مردم ادراک نمی‌شود و از تمام قابلیت‌های ادراک شده نیز استفاده نمی‌گردد. فرایندهای ادراک، شناخت و رفتار فضایی تحت تاثیر شایستگی‌های فردی و گروهی و ساختار محیط ساخته شده اند. انسان مخلوقی تطبیق پذیر است اما ادراک وی از محیط تحت تاثیر چیزهایی است که با آن انس گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که مردم با شرایطی که ارزش‌های انسانی را تهدید به تخریب می‌کند نیز تطبیق پیدا می‌کنند (لنگ، ۱۳۹۸). تاثیری که محیط بر انسان می‌گذارد در اثر نحوه و کیفیت ادراک آدمی از محیط پیرامونش شکل می‌گیرد. ادراک محیط بر اساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال، فضاها، عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آن‌ها دارد، یکی از اولین نتایج مترتب بر تماس انسان با محیط می‌باشد. این ادراک، سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت (این همانی) احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس غرور، حقارت، تفوق، از خودبیگانگی و بسیاری احساسات و ارتباطات روانی با محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره رابطه‌ایست که اصول و ارزش‌های فرهنگی انسان یا ارزش‌های نهفته یا متجلی در محیط برقرار می‌نماید (نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

- مروری بر روانشناسی محیطی

عنوان این دانش، اولین بار توسط ویلی هلپاک¹⁶ و با طرح این موضوع که خورشید و ماه چگونه فعالیت انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، تاثیر محیط خارجی و تاثیر رنگ و فرم، به بیان نظرات خود پرداخته است. در سال‌های بعد از جنگ دوم، و بدلیل نیاز مبرم به توسعه روانشناسی اجتماعی و بویژه قرارگیری جوامع در شرایط «تغییر»، سبب گردید تا روانشناسان در پی بکارگیری تئوری‌های روانشناختی در زمینه‌های مورد نظر باشند. این اقدامات غالباً در شرایط آزمایشگاهی صورت می‌پذیرفت، به همین دلیل صحت نتایج این آزمایش‌ها در جهان واقع مورد تردید بود. در نتیجه روانشناسان محیطی اقدام به انجام مطالعات خود در محیط خارج از آزمایشگاه نمودند. امروزه روانشناسی محیطی در زمینه‌های مختلفی نظیر طراحی و معماری، برنامه‌های تلویزیونی و نیز تبلیغات کاربرد دارد. روانشناسی محیط دانشی میان رشته‌ایست که بر کنش و واکنش بین انسان و محیط پیرامونش تمرکز داشته آثار این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنانکه در بالا اشاره شد، واژه محیط در تعریفی گسترده، دربرگیرنده محیط طبیعی، زمینه‌های اجتماعی، محیط مصنوع و محیط یاداندوزی می‌باشد. بطور خلاصه، به منظور بررسی مسائل مبتلی به انسان (بعنوان موضوع علم روانشناسی)، و رابطه متقابلش با محیط؛ فارغ از مقیاس محیط مزبور، می‌باید به تاثیر شرایط محیطی بر رفتار، فعالیت و عادات انسان‌ها توجه نمود. با در اختیار داشتن مدلی از شخصیت و رفتار انسانی، امکان طراحی، مدیریت، پیش بینی یا بازیابی محیط‌هایی ایجاد خواهد شد تا رفتار معقول یا مورد انتظار را ارتقا دهد، یا رفتارهایی را که در نبود کیفیات محیطی مورد نظر بروز خواهد کرد را پیش بینی نمود و موقعیت‌های مسئله ساز را تشخیص داد. روانشناسی محیطی در پی توسعه چینی مدلی از شخصیت انسانیت. روان‌شناسی محیطی نظریه‌های گوناگون را در ارتباط با تاثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه ساخته است تا قادر باشد پژوهش‌های تجربی متناسب با آن تئوری‌ها را به اجرا گذارد. لذا روان‌شناسی محیطی در حقیقت در جهت خلق تئوری‌های تجربی است که حاصل مشاهدات رفتارهای انسان در محیط روزمره و بوم او است آن هم به گونه‌ای که این تئوری‌ها بتوانند مورد استفاده طراحان قرار گیرند. یکی از مهمترین مباحث در تئوری‌های محیطی نقش محیط در شکل دهی به رفتار انسان یا اصطلاحاً معینگری محیطی است. در یک معنا رفتار انسان در مقیاسی جهانی تحت تاثیر نیروهای اکولوژیکی است و این نیروها آنچه را انسان می‌تواند به آن دست یابد، بدون توجه به اهداف و انگیزه‌های انسانی محدود می‌سازد. در حقیقت رفتار انسان، در این دیدگاه، در چنبره یک اکوسیستم محیطی و تنها در چرخه آن معنا می‌یابد. لذا انسان در این دیدگاه به مثابه موجودی بی‌اختیار است که مقهور آن اکوسیستم گردیده است. این دیدگاه امروزه به علت تحلیل ناقصی که از ماهیت انسان به دست می‌دهد، طرفداران کمی دارد و نمی‌توان آن را به عنوان یک نظریه معتبر جدی گرفت. آنچه روان‌شناسان امروزه و در این راستا، بیشتر علاقمند به بررسی آن هستند این است که به واقع کدام رفتار انسان تحت تاثیر نیروهای ژنتیکی و وراثت و کدام یک تحت تاثیر شرایط

¹⁶ Willy Hellpach

جغرافیایی شکل می‌گیرد. معینگیری معماری و یا به تعبیری جامع‌تر معینگیری کالبدی در یک تعریف ساده عبارتند از این معنا که با ایجاد دگرگونی‌ها در عناصر معماری محیط و یا توانش‌های آن می‌توان رفتار آدمی را به ویژه در سطح رفتارهای اجتماعی دگرگون ساخت.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۱.۳. تئوری معنی محیط

نظریه معنی محیط در ارتباط با پیوند میان انسان‌ها و مکان مطرح شده است. اگرچه بیشتر نحوه متاثر شدن هویت شخصی از مکان‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و کمتر به ارزیابی‌های مربوط به رضایت از مکان مربوط می‌شود (Fabian & Kaminio, 1983; proshansky 1987; Giuliani and Feldman 1993).

پروشانسکی، فابین، کامینوف در ۱۹۸۳ تئوری معنی را به زمینه روان‌شناسی محیطی وارد کردند به اعتقاد آنان معنی مکان، "جهان فیزیکی اجتماعی شده فرد است" بدین معنا که تکامل هویت فردی، محدود به این نیست که فرد در فرآیند مقایسه میان خود و نزدیکان‌اش قرار بگیرد، بلکه واقعیات عینی‌اشیا، چیزها و البته مکان‌ها و فضاهایی که آن‌ها را در بر می‌گیرند را شامل می‌شود (Knez, 2006).

رلف بر پایه مطالعات لینچ، معنی مکان را اینگونه بیان می‌کند: معنی مکان، تشخیص با تمایز مکانی ایجاد می‌کند که پایه شناخت آن به عنوان یک کل متمایز است. معنی مکان، "تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد،" می‌باشد (Relph 1976, 45-46).

۲.۳. معنا و مکان

انسان بودن به معنای زیستن در دنیای سرشار از مکان‌های با اهمیت است. انسان بودن به معنای برخورداری از مکان و شناخت نسبت به این برخورداری است. به تعبیر مارتین هایدگر «مکان جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست» (افروغ، ۱۳۹۶). در بررسی معنا در رابطه با مکان واژه‌ای به نام «حس مکان» جلوه می‌کند، که هنگام مطالعه معنا از این منظر باید آن را در شاخه عوامل ادراکی - شناختی در تقسیم‌بندی حس مکان مطالعه کرد. انسان‌ها یک سری تأثیراتی را بر محیط گذاشته و سپس نتایجی را از آن متاثر می‌شوند، این نمایانگر یک رابطه بین انسان و مکان است. محیط از دو جنبه ایجاد معنا می‌کند یکی از منظر ادراکی - شناختی که به همان موضوع خاطره بر می‌گردد و دومی از نظر کالبدی که حس تعلق به جای مخصوصی را مستلزم می‌گردد، بدین ترتیب مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کند و نقش شخصیت و تجارب گذشته افراد نیز در دریافت این حس مؤثر است (نشریه شمس، ۱۳۸۷).

۳.۳. تاثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان

روانشناسی محیطی نظریه‌های گوناگون را در ارتباط با تاثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن خلق کرده و سوالات مناسب را در این ارتباط مطرح ساخته است تا قادر باشد پژوهش‌های تجربی مناسب با آن تئوری‌ها را به اجرا گذارد. لذا روانشناسی محیطی در حقیقت در جهت خلق تئوری‌های تجربی است که حاصل مشاهدات رفتارهای انسان در محیط روزمره و بوم او است آن هم به گونه‌ای که این تئوری‌ها بتوانند مورد استفاده طراحان قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین مباحث در تئوری‌های محیطی، نقش محیط در شکل دهی به رفتار انسان یا اصطلاحاً «معنی‌گری» است. معنی‌گری می‌تواند در سطوح مختلف مورد بررسی و توجه قرار گیرد. در یک معنا رفتار انسان در مقیاسی جهانی تحت تاثیر نیروهای اکولوژیکی است و این نیروها آنچه را که انسان می‌تواند به آن دست یابد و بدون توجه به اهداف و انگیزه‌های انسانی محدود می‌سازد. در حقیقت رفتار انسان، در این دیدگاه، در چنبره یک اکوسیستم محیطی و تنها در چرخه آن معنا می‌یابد. به هر حال، آنچه که اینجا مورد بحث ماست، مفهومی از معنی‌گری است که در ارتباط با محیط کالبدی (معماری، طراحی شهری و معماری منظر) مورد توجه است.

۴.۳. قرارگاه رفتاری

قرارگاه رفتاری و یا یک «مکان - رفتار» عنصری تحلیل‌کننده و یا برای تحلیل محیط است که برای تشریح کارکردهای اصلی فضاهای معماری و طراحی شهری و یا طراحی آن‌ها به کار گرفته می‌شود. قرارگاه رفتاری مفهومی است که برای اولین بار به وسیله «راجر بارکر» و همکارانش در راستای پژوهش در «روانشناسی رشد» برای تجزیه و تحلیل محیط اجتماعی، روانشناختی کالبدی کودکان ابداع گردید. به تدریج رابطه مفهوم قرارگاه رفتاری با طراحی به وسیله معماران و طراحان شهری مورد توجه قرار گرفت و توسعه یافت. یک قرارگاه رفتاری یک واحد کوچک اجتماعی است که از تلفیق پایدار یک فعالیت و یک مکان به گونه‌ای حاصل می‌آید تا در فرایندی منظم بتواند عملکردهای ضروری آن محیط رفتاری را برآورده سازد.

۴. شاخص‌های پیشنهادی محیطی - رفتاری در راستای موضوع پژوهش

۱.۴. ارتباط مابین ساماندهی عناصر نیمه ثابت و الگوهای رفتاری

از الگوهای گوناگونی برای بررسی محیط و رفتار انسان‌ها استفاده شده است. الگوی رفتاری، انسان را موجودی رفتار محور قلمداد نموده است. این رویکرد کنشگرانه بر وابستگی‌های محیطی به مثابه عوامل تعیین‌کننده رفتار تأکید کرده و تلاش می‌کند آن‌ها را شناسایی و در طراحی لحاظ کند. در الگوی بوم‌شناختی، رفتار و محیط چنان در هم تنیده شده که تفکیک آن‌ها دشوار است. رفتاردر بستر محیط تعریف پذیر است. طبق این رویکرد، محیط ادامه هستی و شخصیت افراد به شمار می‌رود. در واقع افراد عامل تغییر محیط هستند و نه پذیرنده صرف تأثیرات محیطی (خطیبی، ۱۳۹۲). این رویکرد رابطه انسان را با محیط خود پویا و دائم در حال تغییر می‌داند. طبق این رویکرد، رابطه انسان با محیط در سطوح گوناگون برقرار می‌شود، زیرا

تأکید بیش از حد بر یک سطح، فرد را از یک کیفیت نظام‌مند رابطه رفتار و محیط غافل می‌کند. این رویکرد قابلیت پیوند دادن رویکرد مکان محور طراح را با رویکرد فرآیند محور پژوهشگر دارد (آلمن، ۱۳۹۵). الگوهای رفتاری ناشی از فرهنگ، اعتقادات، عادات، محیط زندگی، قوانین حا کم بر جامعه و خصوصیات فردی است و هر کدام از این شاخص‌ها به تنهایی یا به همراه سایر عوامل، رفتارهای متفاوت افراد را توجیه می‌کند. در هر حال الگوهای متفاوت رفتاری، محیط‌های خاص خود را برای بروز یا کنترل احتیاج دارند. در محیط‌های شهری مختلف، افراد و گروه‌های متجانس شهروندان بنا به هدفی که دارند، رفتارهای گونا گونی را از خود بروز می‌دهند. بنا به نظر چین و بریل، فعالیت هر فرد در فضا تابع الگوی فضایی سیستم فعالیت اوست. سیستم فعالیت در واقع جاری شدن فعالیت در طی زمانی خاص برای رسیدن به هدفی خاص است. در سیستم فعالیت، فرد واحدی از رفتار را از خود بروز می‌دهد که اصطلاحاً به عنوان یک اپیسود در مکان خاص شناخته می‌شود. بر این اساس دیوید هاویلانه اصطلاح " فضای فعالیت " را مطرح می‌سازد و همان طور که پیشتر اشاره شد، راجر بارکر اصطلاح " قرارگاه رفتاری " را معرفی می‌کند. بارکر الگوهای رفتاری را به شکلی مرتبط با مکان کالبدی همان رفتار توضیح می‌دهد. بارکر از طریق مشاهده رفتار مردم در خارج از آزمایشگاه و در محیط واقعی شهر، قرارگاه‌های رفتاری محیط مصنوع از یک ساختمان گرفته تا یک شهر را علاوه بر اهداف زیبایی‌شناسانه، به منظور تأمین محیط رفتاری افراد ذی نفع در محیط (فضای فعالیت یا قرارگاه رفتاری) مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس نظریه بارکر، قرارگاه رفتاری به فضایی اطلاق می‌شود که با دو مجموعه عناصر ارتباط دارد: عناصر روان‌شناسی و عناصر غیر روان‌شناسی. عنصر روان‌شناسی از نظر وی به شکل خاصی از رفتار اشاره می‌کند و عنصر غیر روان‌شناسی شامل اشیای مادی است که بروز رفتارهای خاصی را تسهیل می‌کند. مشاهده شده که احتمال بروز رفتاری خاص در یک قرارگاه رفتاری مشخص بیش از احتمال بروز رفتاری دیگر است. چنین احتمال رفتاری به طور مستقیم به درک ما از هویت مکان ارتباط پیدا می‌کند (عباس زادگان، ۱۳۸۶).

۲.۴. شاخص‌ها

جدول ۱. شاخص‌های مولفه عملکردی (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

مولفه	شاخص	زیرشاخص	چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه
عملکرد	کاربری و فعالیت	نوع فعالیت	جذب جمعیت و ایجاد ازدحام؛ تغییر حالت از عبور به مکث و توقف و خرید یا تفریح یا خوردن؛ گاهی به عنوان مانع در مسیر افرادی که عجله دارند عمل می‌کند	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری - تفریحی
		زمان انجام فعالیت (شبهانه، روزانه یا فصلی)	و باعث تغییر جهت افراد می‌شود؛ میزان تناسب فعالیت‌ها در میزان استفاده افراد موثر است.	حرکت دسته‌های عزاداری در ایام خاص منجر به توقف و تماشا می‌شود؛ فعالیت‌های شبانه منجر به سرزندگی و حضور بیشتر مردم در فضا می‌شود
	مکان فعالیت (در فضای بسته یا باز)	تناسب فعالیت‌ها	وجود فعالیت‌هایی همچون دستفروشی، بازارهای سرباز و هفتگی، تاترهای خیابانی منجر به کشاندن مردم و تغییر الگوهای رفتاری در آن محدوده می‌شود	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری و تفریحی؛ وجود کتاب فروشی یا خرده فروشی در راسته صنعتی و کارگاهی

	دسترسی	نقش مسیر و راه	نقش مسیر از نظر جابجایی یا اجتماعی طیف مختلفی از رفتارها از جمله راه رفتن سریع تا توقف و مکث را منجر می‌شود	در خیابان عبوری مردم صرفاً برای رسیدن به مقصد راه می‌روند یا منتظر وسیله می‌مانند اما در خیابان پیاده رفتارهایی همچون مکث توقف تماشا و بازی خرید و... مشاهده می‌شود
		عرض مسیر	تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	در مسیر سواری با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می‌کند و مسیر سواری تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه است بنابراین رفتارهایی همچون سواری و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می‌شود. در پیاده روی تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می‌شود. در مسیر تنگ با حرکت دشوار مردم احساس ناامنی می‌کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می‌کنند.
		سلسله مراتب	وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می‌دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می‌کند	در ورودی محلات و سرک‌چپه‌ها، پاتوق‌هایی برای گپ زدن وجود، درکوی‌های مسکونی فضایی برای بازی بچه‌ها
		نفوذپذیری	میزان نفوذپذیری بصری و کالبدی با میزان استفاده فضا رابطه مستقیم دارد.	با افزایش نفوذپذیری بصری و کالبدی میزان استفاده از فضا افزایش و میزان جرم خیزی کاهش می‌یابد.
	تجهیزات	روشنایی	جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ ایجاد مکث و توقف	وجود روشنایی در فضا منجر به ایجاد نظارت اجتماعی و افزایش امنیت محیط می‌شود در نتیجه جرم خیزی محیط کاهش می‌یابد
		مبلمان	جلوگیری از رفتارهای ناهنجار(شکلگیری قرارگاه رفتاری امن)؛ ترویج رفتارهای مناسب و اجتماعی؛ ایجاد مکث و توقف؛ بالا رفتن حق انتخاب و میزان استفاده از فضا	وجود تجهیزات متناسب با نیاز و تراکم استفاده در فضا در میزان استفاده از فضا نقش دارد؛

جدول ۲. شاخص‌های مولفه فرم (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

مولفه	شاخص	زیرشاخص	چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه
فرم	کالبد	بدنه نما، رنگ و...	وجود ویژگی‌هایی همچون انسجام و پیوستگی؛ وحدت؛ تنوع؛ شفافیت بدنه و کف؛ هماهنگی و هارمونی در بدنه باعث خوانایی بیشتر میشود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت‌هایی همچون خرید، تفریح و...	اندازه و فرم ورودی و جنس و نما و رنگ مبلمان شهری در میزان کشش مردم به خود نقش دارد(زمینه بروز قرارگاه امن)؛ رنگ فضا عاملی در خوانایی، سرزندگی و در نتیجه ترویج هنجارهای اجتماعی و شکلگیری قرارگاه‌های

رفتاری			
وجود کفپوش هموار و متناسب با شرایط اقلیمی، وجود ریتم در حرکت و نقش کفپوش می تواند هدایت کننده رفتار باشد؛	وجود ویژگی هایی همچون یکپارچگی؛ حفظ تداوم حرکت پیاده؛ انعطاف؛ ایمنی؛ پرهیز از اختلاف سطح باعث خوانایی بیشتر می شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید	کف فرم	
یک مسیر خطی بیشتر حس حرکت را القا می کند، اما در فضایی مربع شکل با دایره ای الگوهایی رفتاری ناشی از مکث و توقف شاهد هستیم	وجود ویژگی هایی همچون ادراک بصورت یک کل واحد، مصوریت، توالی فضایی، انعطاف پذیری فضا، مقیاس انسانی؛ داشتن سکانس بندی فضایی؛ تنوع فضایی؛ صلب و نرم؛ مسقف و آزاد باعث خوانایی بیشتر و میزان بیشتر استفاده از فضا می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید و تفریح	فرم، کلیت فضایی، پر و خالی	ساختار
وجود نشانه ها در فضا و بهره گیری از منظر مناسب مکان را تبدیل به قرارگاه رفتاری می کند. مثال: فضای بین چند بلوک ساختمانی اگر به درستی محوطه آرایشی شود و دارای خوانایی و دید مناسب به عناصر شاخص باشد مردم ترجیح می دهند مدتی مکث کنند، نگاه کنند، کتاب بخوانند، گپی بزنند و بازی بچه ها را تماشا کنند؛ در غیر اینصورت صرفا فضایی مشترک بین بلوکها باقی می ماند و یا صرفا فضایی برای عبور و دسترسی خواهد بود.	ویژگی هایی همچون توالی بصری؛ قابلیت ایجاد دیدهای پی در پی ایجاد پرسپکتیو و خوانایی باعث میزان بیشتر استفاده از فضا و سهولت استفاده می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید، و تفریح	نشانه ها، پوشش گیاهی، کریس دورهای بصری دید، ابتدا و انتها	منظر شهری

جدول ۳. شاخص های مولفه معنا (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

مؤلفه	چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه
معنا	ویژگی هایی همچون خاطره انگیزی؛ داشتن حس مکان؛ شخصیت و هویت بارز، نظارت اجتماعی و امنیت از طریق رعایت موارد فوق حاصل می شود و بر میزان استفاده از فضا و تراکم الگوهای رفتاری، ایجاد حس تعلق و افزایش مشارکت مردمی	مکانی برای انسان با حس تعلق همراه است، رفتارهای ناهنجار کمتری در آن مشاهده می شود؛ در یک مکان خاطره انگیز مردم تماشا می کنند، به خاطر می آورند و از حضور در فضا لذت می برند.

جدول ۴. شاخص های مولفه زیست محیطی (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

مؤلفه	شاخص	چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه
آسایش و راحتی و مسائل زیست محیطی	شرایط اقلیمی آلودگی های محیطی	وجود پوشش های گیاهی، مصالح متناسب با اقلیم، سایبان ها و تمام نکاتی که برای آسایش اقلیمی مدنظر است، عاری بودن فضا از انواع آلودگی های صوتی، بصری و هوا، فضا را مکانی خودمانی و پاسخگو می کنند و در	وجود زباله در فضا یا حیوانات موذی شهری مانند موش، گربه یا حشرات مردم را از فضا دور میکند و رفتار ناهنجار ریختن زباله را

نتیجه میزان مکث و استفاده از فضا بیشتر می شود.	تشویق می کند.
--	---------------

در بررسی عوامل مؤثر بر رفتار مردم در حوزه فضای عمومی و محیط‌های پیاده شهری می توان گفت که در واقع ارتباط بین عوامل محیطی و رفتاری در شکل‌گیری الگوهای رفتاری، شامل برهم کنش عوامل مورد اشاره در بالاست که در چارچوب شاخص‌های رفتاری در محیط قرار دارند. در صورت انطباق این شاخص‌ها می توان معنای محیطی مورد مطالعه را ارتقا و احترام به فضا را افزایش داد تا الگوهای رفتاری مثبت تقویت شود و سطح کارایی فضا نیز افزایش یابد. در این راستا با بررسی مفاهیم و نتایج حاصل از مبانی نظری در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، پژوهش به سمت تعیین یک چارچوب نظری منسجم هدایت می شود. که بنا بر توضیحات داده شده و معرفی روش‌های ارزیابی الگوهای رفتاری در فضا، روش ارزیابی الگوهی رفتاری در پژوهش حاضر به شرح زیر است

جدول ۵. چارچوب نظری پژوهش (نگارنده، ۱۳۹۹)

مؤلفه	شاخص	روش
عملکرد	کاربری و فعالیت	صرفاً از روش ارزیابی غیر مداخله گرایانه
	دسترسی	روش ارزیابی غیر مداخله گرایانه با تاکید بیشتر
	تجهیزات	روش ارزیابی غیر مداخله گرایانه و مداخله گرایانه
فرم	کالبد	روش ارزیابی مداخله گر با تاکید بیشتر
	ساختار	
	منظرشهری	
معنا	حس تعلق، این همانی، خاطره انگیزی و...	همه روش های ارزیابی
	شرایط اقلیمی، آسایش اقلیمی، بررسی آلودگی های محیطی	
زیست محیطی		

۵. روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش پیش رو از نوع ماهیت آمیخته و با هدف کاربردی است. در این پژوهش برای تدوین چارچوب نظری ابتدا از روش اسنادی استفاده شده است. به این صورت که با مراجعه به کتاب‌ها، نشریه‌ها و سایت‌های مربوطه به وسیله یادداشت‌برداری و فیش برداری، اطلاعات مورد نظر برای بیان ادبیات موضوع و مفاهیم مورد نظر و همچنین دیدگاه‌ها و رویکردهای مرتبط با سؤال پژوهش گردآوری شده است و سپس با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی اقدام به تهیه و تدوین چارچوب مفهومی پژوهش به منظور ارائه پیشنهادها و نتیجه نهایی شده است. در بخش اصلی این پژوهش یعنی مطالعه موردی از روش پیمایشی استفاده شده. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش، پرسشنامه و همچنین تهیه نقشه‌های رفتاری و

مشاهدات میدانی بوده است. با استفاده از مطالب و اطلاعات گردآوری شده در بخش مبانی نظری، متغیرهای مورد بررسی مشخص شده و سپس برای سنجش هر یک از متغیرها، تعدادی گویه و سؤال تدوین شده است که مجموع گویه‌ها و سئوال‌ات تکمیلی، ساختار پرسشنامه را تشکیل می‌دهند. در تدوین سئوال‌ات پرسشنامه تلاش شد که سئوال‌ات در راستای شاخص‌های به دست آمده در چارچوب مفهومی پژوهش به عنوان ارزیابی تأثیر مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیر سازماندهی عناصر نیمه ثابت بر الگوهای رفتاری در محیط‌های پیاده شهری شود و از این طریق شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مدنظر پژوهش در قالب سئوال‌ات ملموس و بدون ابهام، از استفاده‌کنندگان فضای پیاده خیابان چهارباغ پرسیده شد و سپس مورد تحلیل قرار گرفت.

۶. شناخت محدوده مورد مطالعه



چهارباغ یکی از خیابان‌های تاریخی و اصلی اصفهان است و به دو بخش چهارباغ صفوی و چهارباغ عباسی بخش می‌شود. چهارباغ عباسی یکی از خیابان‌های تاریخی شهر اصفهان است که بین دروازه دولت و سی و سه پل قرار دارد.

شکل ۱. محور چهار باغ در دوره های مختلف (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

۷. بررسی و تحلیل

۱.۷. توصیف میزان تأثیر شاخص‌های کیفیت محیطی و بررسی الگوهای رفتاری در فضای پیاده خیابان چهارباغ

عباسی

طبق نتایج بدست آمده و آمار مشخص شده در جدول و نتایج آزمون، T میانگین کیفیت محیطی را ۳.۶۶ نشان می‌دهد که بزرگتر از میانگین آماری "۳" است و این تفاوت در سطح یک درصد معنی دار شد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه م‌ بگیریم که میزان تأثیر شاخص‌های کیفیت محیطی مؤثر بر الگوهای رفتاری در نمونه مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۶. توصیف میزان تأثیر شاخص‌های کیفیت محیطی و بررسی الگوهای رفتاری در فضای پیاده خیابان چهارباغ

عباسی (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		گزینه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴	۴	۹	۹	۲۶	۲۶	۳۵	۳۵	۲۶	۲۶	فرم

۲۲	۲۲	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۱۰	۱۰	۷	۷	عملکرد
۲۲	۲۲	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۱۲	۱۲	۴	۴	معنا
۲۳	۲۳	۲۹	۲۹	۳۲	۳۲	۱۳	۱۳	۳	۳	آسایش و راحتی و عوامل زیست محیطی
۲۳	۲۳	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۱۱	۱۱	۵	۵	کیفیت محیطی (میانگین)

۲.۷. الویت بندی تاثیر شاخص های کیفیت محیطی و بررسی الگوهای رفتاری در خیابان چهارباغ عباسی با آزمون

فریدمن

نتایج آزمون فریدمن در جدول نیز نشان می دهد که معنا به بالاترین میانگین رتبه دارای بیشترین تأثیر از بین شاخص های دیگر بر کیفیت بخشی محیطی از منظر الگوهای رفتاری در محیط های پیاده شهری از نظر نمونه مورد مطالعه است و شاخص مسائل زیست محیطی با کمترین میانگین رتبه دارای کمترین تأثیر از بین شاخص های دیگر بر کیفیت بخشی محیطی از منظر الگوهای رفتاری در محیط های پیاده شهری از نظر نمونه مورد مطالعه است.

جدول ۷. الویت بندی تاثیر شاخص های کیفیت محیطی و بررسی الگوهای رفتاری در خیابان چهارباغ عباسی با

آزمون فریدمن (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

متغیر	میانگین رتبه	الویت	آمار	درجه آزادی	سطح معنی داری
معنا	۳.۰۷	۱	۴۴.۱۴	۳	۰.۰۰۰
فرم	۲.۷۴	۲			
عملکرد	۲.۱۱	۳			
آسایش و راحتی و عوامل زیست محیطی	۲.۰۹	۴			

۳.۷. بررسی میزان تاثیر شاخص های کیفیت محیطی مؤثر بر الگوهای رفتاری در فضای پیاده خیابان چهارباغ

عباسی به لحاظ جنسیت با استفاده از آزمون T

نتایج آزمون T برای گروه های مستقل در جدول نشان داد که بین نظر زنان و مردان در مورد میزان تأثیر شاخص های عوامل کالبدی-فیزیکی و ساختاری، فعالیت و زیست بوم بر مؤثر بودن هر یک از این شاخص ها بر الگوهای رفتاری در محیط های پیاده شهری از نظر نمونه مورد مطالعه تفاوت معنی داری وجود ندارد، زیرا ($P < 0.5$).

جدول ۸. بررسی میزان تاثیر شاخص های کیفیت محیطی مؤثر بر الگوهای رفتاری به لحاظ جنسیت با استفاده از

آزمون T (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

متغیر	جنس	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری		
کیفیت محیطی	مرد	۳.۶۸	۰.۷۰۱	۹۸	۰.۴۸۵		
	زن	۳.۶۴					
شاخص های کیفیت محیطی مؤثر بر الگوهای رفتاری در	مرد	۳.۷۸	۱.۳۷۷			۹۸	۰.۱۷۲
	زن	۳.۶۶					
عملکرد	مرد	۳.۴۷	۰.۹۸۸	۹۸	۰.۳۲۵		
	زن	۳.۴۷					

			۳.۵۶	زن		فضای پیاده رو
۰.۲۶	۲.۲۵	۳.۹۶	مرد	معنا		
			زن			
۰.۴۳۰	۰.۷۹	۳.۵۱	مرد	آسایش و راحتی و عوامل زیست محیطی		
		۳.۵۸	زن			

۴.۷. ارتباط بین شاخص ها

ارتباط بین شاخص های مؤثر کیفیت محیطی و بررسی الگوهای رفتاری در محدوده مورد مطالعه و مساله اصلی پژوهش، بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه و آزمون های آماری (آزمون همبستگی اسپیرمن) بیان می گردد. این آزمون رابطه بین متغیرها یا همان شاخص های مورد مطالعه را بررسی و تحلیل کرده و در نهایت به نتایج مستند می رسد. بین شاخص های مؤثر کیفیت محیطی و الگوهای رفتاری در محیط های پیاده شهری از نظر نمونه مورد مطالعه رابطه معنی دار وجود دارد که این رابطه در جدول زیر بیان شده است. در این جدول r^2 ضریب همبستگی اسپیرمن، sig سطح معنی داری، به معنای در سطح پنج درصد معنی دار و به معنای در سطح یک درصد معنی دار است. همچنین نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که بین شاخص های مؤثر کیفیت محیطی و الگوهای رفتاری در فضای پیاده راه خیابان چهارباغ عباسی از نظر نمونه مورد مطالعه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۹. ارتباط بین شاخص ها (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

		متغیر					
۵	۴	۳	۲	۱		کیفیت محیطی	
				-	R sig		
			-	۰.۶۸۷	R sig	شاخص های کیفیت محیطی مؤثر بر الگوهای رفتاری در فضای پیاده رو	
		-	۰.۳۰۷	۰.۶۷۲	R sig	عملکرد	
	-	۰.۳۷۷	۰.۴۰۱	۰.۷۷۱	R sig	معنا	
-	۰.۲۵۷	۰.۰۹۰	۰.۱۳۲	۰.۵۳۹	R sig	آسایش . راحتی و مسائل زیست محیطی	
-	۰.۰۱۰	۰.۳۷۱	۰.۱۹۱	۰.۰۰۰	R sig		

۸. جمع بندی و پیشنهادات

رویکرد مورد مطالعه در این پژوهش و کاربردی آن در قالب محیط های پیاده شهری می تواند تا حدود زیادی به سایر نمونه های مشابه هم تعمیم داده شود. با نگاهی به شرایط خیابان چهارباغ می توان گفت که این پیاده راه در مقیاس شهری و فراشهری می تواند به عنوان یک کانون اصلی تعاملات اجتماعی و رفتاری در کنار جنبه های تفریحی آن در شهر اصفهان تعریف شود. از این رو لزوم توجه به مسائل مرتبط با قلمروها و الگوهای رفتاری کاربران و منطبق کردن آن ها از هر حیث با شاخص های کیفیت محیطی، امری ضروری به نظر می رسد. هدف از این پژوهش این است که با بررسی و تحلیل چیدمان و

قرارگیری عناصر شهری از یک طرف و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان متعدد و متنوع فضای پیاده از طرف دیگر، نقاط قوت و جنبه‌های بحرانی کیفیت محیطی در محیط‌های پیاده از نظر نمونه مورد مطالعه شناخته شود تا بر مبنای آن بتوان وضعیت‌های نامطلوب محیطی را از طریق سازماندهی عناصر نیمه ثابت در محیط پیاده شهری بهبود بخشید. در برنامه‌ریزی برای ارتقا و بهبود سطح کیفیت محیطی فضاهای پیاده شهری که محور اصلی پژوهش حاضر است، لازم است نیازها و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از فضا در نظر گرفته شود. با داشتن چنین دیدگاهی کیفیت بخشی به اینگونه فضاها به موضوعی صرفاً تک بُعدی و متکی بر شاخصه‌های کمی محدود نمی‌شود و از سایر پتانسیل‌های کیفی برای ایجاد یک فضای عمومی پویا، سرزنده و اجتماعی توأم با رفتارهای مطلوب (معنا بخشی به محیط) استفاده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ارتقای کیفیت محیطی و تأثیر مولفه‌های آن بر قلمروها و الگوهای رفتاری در محیط‌های پیاده شهری صرفاً مفهومی کمی و تکنیکی نبوده، بلکه با مفاهیم کیفی همچون کیفیت محیط کالبدی، تنوع فضای اجتماعی و تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی، وابستگی‌های مکانی و کیفیت محیط زیست شهری یا زیست بوم نیز در ارتباط است. مولفه‌های اثرگذار بر کیفیت محیطی فضاهای عمومی (عناصر مستقر در فضا) از جمله محیط‌های پیاده شهری، رابطه دو سویه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از این فضاها دارند. از سویی قرارگاه‌های رفتاری نسبت به الگوهای جاری رفتار یا محیط فیزیکی جبری‌تر هستند. در نتیجه سازگاری محیط و رفتار، بستگی به میزان شایستگی کاربران حاضر در فضا و سازماندهی عناصر آن‌ها دارد. تحلیل محیط‌های پیاده شهری به عنوان قرارگاه‌های رفتاری، شناخت غنی‌تری را از رفتار انسان، نسبت به شهود تنها، به دست می‌دهد چنین تحلیل‌هایی اطلاعاتی را نیز در مورد تفاوت‌های فردی و گروهی در الگوهای رفتاری فراهم می‌آورد که می‌تواند طراحان را از تصور قالبی که در مورد مردم و فعالیت‌هایی که آن‌ها انجام می‌دهند، رها سازد. بنابراین برنامه‌ریزی و طراحی شهری به هیچ وجه نباید قصد رویارویی و برخورد مستقیم با الگوهای رفتاری حاضران در فضاهای عمومی و عابران محیط‌های پیاده شهری و تغییر و یا اصلاح رفتارها را داشته باشد. بلکه باید سعی کند با استفاده از ابزار و وسایل موجود و به کارگیری تکنیک‌های مفید و مؤثر، مانند سازماندهی و چیدمان عناصر محیطی در این پژوهش عناصر نیمه ثابت را به گونه‌ای طراحی یا سازماندهی نماید که علاوه بر نگاه انسان مدارانه به آن، بستر لازم برای ارتقای کیفیت محیطی، محیط‌های پیاده شهری‌ها در آینده را بر طبق مقتضیات زمان فراهم سازد. مطالعات انجام شده بر روی فضای پیاده خیابان چهارباغ عباسی در شهر اصفهان نشان می‌دهد، نه تنها اعمال تغییرات سلیقه‌ای به منظور رفع نارسایی‌های موجود در فضای پیاده و استفاده از فعالیت‌های غیرمرتبط با اهداف پیاده راه، سبب به وجود آمدن ناسازگاری بین شاخص‌های مؤثر بر بهبود و ارتقای سطح کیفیت محیطی و الگوهای رفتاری حاضران در آن می‌گردد، بلکه هر قدر فضا نسبت به استفاده‌های مطلوب و عمومی قابلیت و جذابیت بیشتری داشته باشد، نسبت به استفاده‌های نامطلوب یا ناهنجار محدودتر می‌گردد. در پژوهش حاضر، مطالعه کیفیت محیطی، سازماندهی و نحوه چیدمان عناصر نیمه ثابت، تأثیر شاخص‌ها و مولفه‌های آن بر الگوهای رفتاری در فضای پیاده خیابان چهارباغ عباسی انجام شد

و با توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان و نیز بررسی کمبودهای موجود به منظور تأمین نیاز آن‌ها، پیشنهادهایی به منظور بهبود کمی و کیفی کلیه عملکردها در قالب چهار شاخص بیان شده در پژوهش و در نهایت ایده آل کردن فضای پیاده راه خیابان چهارباغ و معنا دار کردن آن برای استفاده تمامی گروه‌های حاضر در آن ارائه می‌گردد. با ارائه این راهکارها می‌توان به نتایجی مانند ارتقای کیفیت محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی، دستیابی به پایداری نسبی در محیط‌های پیاده با حضور فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی برآمده از الگوهای رفتاری کاربران و تبدیل محیط‌های پیاده به محیطی پویا و فعال با نگرش عمیق به ارزش‌های آن و نیز تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان دست یافت.

جدول ۱۰. هدف، راهبرد، سیاست (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

هدف	راهبرد	سیاست
انعطاف	در کالبد در مبلمان و عناصر الحاقی	پرهیز از به کارگیری مبلمان صلب، چاپگر و غیر قابل جابجایی ایجاد تمهیداتی برای نصب آسان سایه بانها و عناصر الحاقی در مواقع لزوم احتراز از به هم ریختن یکدستی فضا توسط درختان و پوشش گیاهی
	در کف	اصلاح اختلاف سطح و شکستن و خرد شدن کف با مصالح پیش ساخته و متحرک در زمان های لازم(اصولا هم سطح بودن بهتر می باشد).
	در بدنه	توجه به سکانس های قبل و بعد هر سکانس در طرح کالبدی آن سکانس در راستای ایجاد وحدت
در عملکرد	در زمان	ایجاد قابلیت استفاده های متفاوت از مسیر در طول هفته و روز های تعطیل
	در مکان های مختلف	همانگ نمودن کارکردهای هر سکانس با حوزه های پیرامون در راستای وحدت
ایمنی	ایمنی برای پیاده	جلوگیری از ورود خودرو و موتور سیکلت به فضای پیاده
	امنیت پیاده در محیط	قابلیت دیدن از بدنه ها به فضای پیاده حذف موانع دید متحرک در عرصه مسیر روشنایی مناسب برای حرکت پیاده پر کردن کنج های تاریک و مخفی با عناصر متحرک لازم در فضا
سرزندگی	تنوع در طول مسیر	ایجاد تنوع کاربریها به نحوی که جاذب گروههای مختلف اجتماعی باشد پرهیز از استقرار کاربریهای در بدنه که نقاط خاموش و غیر فعال دارند پیش بینی کاربریهای خدماتی که متضمن تداوم حضور شهروند در پیاده راه است اسقرار کاربریهای اوغات فراغت
	در فعالیت ها	پرهیز از آرایش یکنواخت مبلمان شهری در طول مسیر ایجاد امکان برای فعالیت دستفروشان پیش بینی عرصه هایی برای مراسم و فعالیتهای ویژه ایجاد فضاهایی برای مکث، نشستن و تماشا
	در کالبد	تداوم کاربریهای بدنه به داخل مسیر پیاده راه توجه به جزئیات متنوع و قابل ادراک برای ناظر در تماشا حفظ و تقویت شاخص های کالبدی که یادآور خاطرات جمعی است بکارگیری فرم های متنوع با ریتم های متنوع در جداره و یتترین مغازها
	در داخل پیاده راه	ایفای نقش جلوخان برای بدنه ها توسط مسیر
	در ارتباط با پیرامون	ایجاد قابلیت دسترسی از نقاط مختلف به پیاده راه تقویت محور پیاده به عنوان اتصال نقاط کانونی پیرامون

۹. پیشنهادات

می توان پیشنهادات کلی زیر را در سازماندهی، باز طراحی و ارائه طراحی عناصر نیمه ثابت فضای شهری در انطباق با نیاز شهروندان که باید از روش های ارزیابی شهروندی (روش های مداخله گر یا غیرمداخله گر استفاده شود) ارائه داد:

۱. ارتقاء کیفیت خدمات عمومی شهری و ایجاد سرزندگی در شهروندان در چارچوب مدیریت منظر شهری

با نوسازی و بهسازی مبلمان شهری و طراحی اصولی آن به گونه ای که همگام با نیازهای مادی و روانی شهروندان باشد می توان به نحو چشمگیری شاهد پیشرفت و تکاپو در فعالیت های اجتماعی بود. در صورت ارائه درست خدمات شهری از جانب ارگان ها می توان روند استفاده از این خدمات را سرعت بخشید و به طبع آن شاهد سرعت گرفتن فعالیت های جانبی از طرف شهروندان و تلاش مضاعف ایشان در جهت زندگی شهروندی بود.

۲. ایجاد میل و انگیزه در شهروندان در جهت بهسازی محیط شهری

با زیباسازی سطح شهر که وابستگی بسیار زیادی بر طراحی مبلمان شهری دارد می تواند روحیه حفظ و نگهداری از محیط شهری را در شهروندان افزایش داده و اهمیت فضای شهری را در نگاه مخاطبانش بالا ببرد که این مسئله به کوششی غیر مستقیم در نگهداری و زیباسازی شهری در اذهان عمومی جامعه دامن می زند.

۳. هویت بخشی به فضاهای مختلف شهری

در صورت رعایت این اصل شهروندان می توانند با مشاهده یک مکان خاص از آن به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان ها یاد کنند در صورتی که مبلمان شهری ارائه شده در هر محله و شهر گویای هویت تاریخی و فرهنگی آن محله یا شهر باشد می توان به نوعی شخصیت دهی فرهنگی در سطح کلان دامن بزند. از دیدگاه طراحان، انتخاب و طراحی مناسب مبلمان شهری، حفظ هویت مکان و نمود بیشتر آن را ممکن می سازد. این برخورد در احیای مناطق تاریخی و سنتی بسیار موثر است. اگر دخالت در شهر به تزیینات سطحی محدود نشود، باید میان بافت اجتماعی و فضای شهر توازن ایجاد کرد. آنگاه که بافت اجتماعی مکانی تثبیت شده و در میان ساکنانش مفهوم شهرنشینی، ریشه ای عمیق دواند، می توان به ساختارهایی مکمل در سیما و منظر آن پرداخت و شرایط را برای حفظ محیط مهیا کرد.

۴. رعایت اصل پیاده گستری

به معنای گسترش فضای پیاده در سطح شهرها به جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی شهری و ایجاد میل به پیاده روی در شهروندان، با گسترش این مقوله در سطح شهرها می توانیم شاهد برقراری رابطه عمیق تری بین شهروندان و محیط شهری باشیم.

۵. ایجاد یکپارچگی در سطح شهر در عین تنوع فرم

با طراحی و نصب مبلمان‌های شهری یکپارچه با چندین کارکرد مختلف می‌توان ضمن ایجاد یکپارچگی در اجزای شهر موجبات کاهش مصرف مواد و کاهش هزینه‌های ساخت و کاهش ابعاد را فراهم آورد. از طرفی با یکپارچه‌سازی مبلمان شهری می‌توان از تکثیر جزئیات اضافی بسیاری در خیابان‌ها کاست. نکته ظریف در این میان وجه تمایز سیستم‌های یکپارچه با سیستم‌های چندمنظوره است؛ در یک سیستم چندمنظوره، محصول از ابتدا به این قصد طراحی می‌شود و احتمال دگرگونی در سیما و پیکره آن زیاد است، اما در مبلمان یکپارچه لزوماً چنین هدفی دنبال نمی‌شود بلکه اجزاء و عناصر مورد نظر در صورت تطابق و حفظ پیوستگی ظاهری با عنصر ثابتی یکپارچه می‌شوند. مبلمان شهری بر طبق یک سری قواعد و معیارها به وجود می‌آید. اصول و قواعدی که محصول قرن‌ها تجربه بوده و در طراحی رعایت می‌شده است:

- خوانایی

یکی از مهمترین خصوصیات که تابلوها یا علامت باید داشته باشد، خوانایی در زمینه و محیط شهری است. در این زمینه لینچ در ادامه مطالعه‌ای که برای معرفی عناصر پنج‌گانه سیستم خوانایی شهر انجام داده به تعریف رابطه با علائم شهری پرداخته است. خلاصه دیدگاه او درباره علائم و مبلمان شهری با عناصر خوانایی شهری به این شرح است که؛ کیفیت‌های مثبت و منفی شهر که در پنج عنصر (گره، راه، نشانه، لبه و محله) بیان شده اند و تعاملات پیچیده میان آن‌ها برای ارزیابی و تعیین جنبه‌های مثبت فرم به کار می‌روند.

- متمایز بودن

برای اینکه علامتی بتواند در محیط شهری شناسایی شود، می‌بایست به نوعی از زمینه و سایر علائم اطراف متمایز گردد. برجسته کردن علائم از محیط شلوغ و مغشوش و اغلب گیج‌کننده، راه حل متمایز بودن محسوب می‌شود. راه حل دیگر، خلق طرح و شکلی متمایز برای آن علامت است. یکی از ابزارهای دیگر، رنگ است؛ چراکه رنگ به سادگی قابل شناسایی است.

- تقویت چهره و هویت

یافتن چهره و هویتی خاص برای شهری از طریق علائم و مبلمان، کار پیچیده است. تاریخ شهر، بافت موجود شهری و چشم‌انداز و نقش آینده شهر همگی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

۶. هماهنگی

ضوابط کنترل‌کننده و استانداردها از ابزارهای ایجاد هماهنگی میان تابلوها با یکدیگر و با محیط شهری است. این استانداردها و قواعد لزوماً چنین نیست که خلاقیت طراحان را محدود سازد؛ بجز تابلوهای راهنمایی و رانندگی که از استانداردهای بین‌المللی پیروی می‌کنند، در سایر زمینه‌ها می‌توان راه‌های مبتکرانه و هماهنگ با محیط برای انتخاب شکل، رنگ، ابعاد و نورپردازی بسته به شرایط و محل به کار برده شود.

۷. نحوه نورپردازی

از دیگر مواردی که در مبلمان شهری می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد، نحوه نورپردازی و روشنایی است. طبق اصول مبلمان شهری، در مراکزی که افراد به میزان امنیتی بیشتری نسبت به دیگر مراکز احتیاج دارند، مانند: پیاده راه‌های شهری، ایستگاه‌های اتوبوس و پارک‌ها، مراکز خرید و دیگر مراکز عمومی باید از تعداد بیشتری از چراغ‌های روشنایی در خیابان و مکان‌های فوق استفاده شود. طراحی این چراغ‌ها در سطح شهر به فناوری طراحی این نوع چراغ‌ها، وسعت خیابان و حتی به مراکزی که این چراغ‌ها در آن نصب می‌شوند، بستگی دارد. اگر چه این تمهیدات در شب بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند اما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیبایی چراغ‌های روشنایی در طول روز جلوه زیبایی به شهر بدهد.

ماخذ:

- آلتمن، آبرون. (۱۹۷۵). محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ترجمه: علی نمازیان (۱۳۹۵). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افروغ، عماد. (۱۳۹۶). فضا و نابرابری اجتماعی - ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن (چاپ دوم). تهران: انتشارات علم
- حاتمی، مزگان. (۱۳۹۴). کاربرد علم روانشناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تاکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع‌های مسکونی، مدیریت شهری، شماره ۴۲، صفحه ۱۵۳-۱۷۸.
- خطیبی، محمدرضا. (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر (مطالعه موردی: محدوده ورودی سندج)، نشریه هویت شهر، شماره ۱۳، صفحه ۷۳-۶۳.
- عباس زادگان، مصطفی. (۱۳۸۴). ابعاد اجتماعی - روان شناختی فضاهای شهری، مجله بین‌المللی علوم مهندسی، دوره ۱۶، شماره ۱، صفحه ۶۹-۸۴.
- لنگ، جان. (۱۹۸۷). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه: علیرضا عینی فر (۱۳۹۸). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن (چاپ اول). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). تاثیر معماری شهر بر ارزش‌های فرهنگی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صفحه ۶۲-۷۶.
- Knez, I. (2006). Autobiographical memories for place, *Memory*, 14:3, 359-377.
- Giuliani, M. V. and Feldman, R. (1993), 'Place Attachment in Developmental and Cultural Context', *Journal of Environmental Psychology*, vol. 13, pp. 267-274.
- Proshansky, H. M. (1987). "The field of environmental psychology: securing its future." In *Handbook of Environmental Psychology*, eds. D. Stokols and I. Altman. New York: John Wiley & Sons.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.